

مراد حضرت اعیان است که اگر بعضی اینها صورت  
لغزین قدم واقع شد که آن عصیان بلکه لغظاً و معنی برت  
واضح العنوان است قدم عقل شریف عصمت کرم آنحضرت  
از آن است نیز پاکیزه نشان است **و علی الدائم صلی الله علیه و آله**  
**المصطفی** صاحب صحیح گوید اول مراد از این عیال است  
و اتباع و پیروان او گویند ابرار جمع بر لغزین گویند که مصطفی  
ایسم معقول لغزین گرفته شده مصطفی جمع اود و اصل مصطفی  
بوده که برایشیل بوده حذف کردند و ساکن جمع شدند که  
انگیزشند مصطفی را اخبار جمع نیز محقق نیز چیز خبر اصل  
تفصیل نمیشود و جمع نمیشود و این فقره بحسب ترکیب عطف است بر  
علی الدلیل الیک الدلیل الی غیر مصلوات فرست بر اهل  
و عیال خسته و حال آنحضرت که نیکوکاران برگزیده و سندی  
و فالان میگوید آرمیده اند **علاءه** و اولی در شرح میگوید  
کلمه که آن شخص آنست که با اهل مسنون شود و اول آنست که

الاکبر

گویند

که آینه ما بحسب نسبت است اول جماعت را که در شریفی  
صدقه برات از همت و آینه ما ششم بر طلبند و  
بعضی هوشی هاشم شهنواز و بعضی دیگر و شانه زعفره علمای و مشه  
حکما اند که نسبت ایشان بحجاب بحسب حال صورتیت است یعنی و  
بچگونگی بر طایفه اول صدقه صورت حرام است بر طایفه دوم صدقه  
معتبر که بحیانت است از طایفه غیر حرام خواهد بود و مستجاب است  
که در تحقیق سه نسبتند چنانکه در عترة طاهرین از اهل بی عترة  
نور علانور و حضرت است و الله امر جنات که در حضور بی  
بر و ایراد نموده که بنا بر تقییر مذکور لازم می آید که افلاک  
قطعی و همت ال و از حکما که تمواره وادی کفر و ضلال موجوده  
قابل تبرکت قدم عالم بوده اند از اهل بیعت است نه ضلالت  
آن ظاهر است و فقیر را در لزوم این سبب در انکلام علماء  
مذکور نظر نیست زیرا که بنا بر آنچه علماء در اول لفظ نموده  
نسبت آن حضرت بحسب حال صورتی است و آنچه در کتب